به بهانه دریافت سیمرغ بهترین بازیگر زن؛

مروری بر کارنامه سینمایی رویا افشار

افشار با «شاید وقتی دیگر» ساخته بهرام بیضایی به سینما ورود کرد و در یک دوره ممنوع‌الکار و ممنوع‌التصویر بود و حالا در جشنواره فیلم فجر ۹۹ توانست سیمرغ بهترین بازیگر زن برای بازی در فیلم «مامان» را از آن خود کند.

گروه سینما و تلویزیون – جشنواره فیلم فجر ۹۹ به پایان رسید. جشنواره‌ای که در ایران اعتبار بسیاری دارد وعده‌ای نیز متقد جدی آن هستند. این جشنواره سال‌ها است که برگزار می‌شود و با انتخاب‌هایی که هیات داوران برای بهترین بازیگر یا کارگردان دارند، حرف وحدیث‌های بسیاری را ایجاد می‌کنند. امسال هیات داوران این جشنواره تصمیم گرفتند که سیمرغ بهترین بازیگر زن را به رویا اقشار تقدیم کنند. به همین بهانه مروری بر کارنامه رویا افشار داریم.

رویا افشار با نام کامل رویا افشاری‌نسب بازیگر و کارگردان تئاتر است. او متولد سال ۱۳۳۹ در شهر آبادان و دانش آموخته رشته معماری از دانشگاه تهران است. فعالیت خود را در سال ۱۳۵۵ وقتی ۱۶ ساله بود با حضور در پشت صحنه تئاتر و همکاری در ساخت دکور شروع کرد و تا قبل انقلاب در پشت صحنه حضور داشت.

با سریال آینه در سال ۱۳۶۴ به کارگردانی غلامحسین لطفی چهره اش شناخته شد و در ادامه با سریال در خانه سال ۶۶، راویان اخبار در ۶۷ به شهرت رسید. افشار با «شاید وقتی دیگر» ساخته بهرام بیضایی به سینما ورود کرد و در یک دوره ممنوع‌الکار و ممنوع‌التصویر بود و بعد از آن پرقدرت‌تر وارد عرصه هنر شد و حالا در جشنواره فیلم فجر ۹۹ توانست بهترین بازیگر نقش اول زن برای بازی در فیلم «مامان» باشد.

سرکوب

فیلم سرکوب داستان یک روز از یک خانواده است. مادر خانواده که نقش آن را رویا افشار بازی می‌کند به دلیل مشکل آلزایمر تحت مراقبت توسط یک پرستار است. پدر خانواده همواره به آزار اذیت جسمی و روحی مادر و سه دختر می‌پرداخته و مدتی است که از خانه رفته‌است. دختر بزرگتر یک فرزند مبتلا به اوتیسم دارد. دختر وسط مدتی است با یک مرد دوست شده‌است که بعد از چند هفته متوجه می‌شود که این مرد همانند پدرش به آزار و اذیت جسمی و روحی او می‌پردازد. دختر کوچکتر دانشجو است که کودکی پرتنشی را به همراه پدرش گذرانده‌است.

ایستگاه اتمسفر

فیلم ایستگاه اتمسفر به کارگردانی و نویسندگی مهدی جعفری ساخته شده است. ایستگاه اتمسفر درباره زوج جوانی است که مدتی است از هم جدا شده‌اند، اما این موضوع را از خانواده‌هایشان پنهان کرده‌اند. در حالی که مخاطب هنوز مشغول تجزیه و تحلیل وضعیت موجود است، یک سانحه رانندگی و پیدا شدن سروکله یک طلبکار، دیگر گره افکنی فیلم را شکل می‌دهند. محسن کیایی بازیگر نقش اول این فیلم است و بخشی از این کیفیت را مدیون هنرپیشه مکمل خود است. رویا افشار در نقش مادر همسر وحید، کیفیت درخوری از خود به نمایش می‌گذارد. افشار که مدتی از سطح اول سینما دور بوده، با ایفای این نقش نشان می‌دهد که بازیگر قابل اعتمادی است.

کاکا

فیلم کاکا در مورد مرد شصت ساله ایست که زن دوم و جوانی، دور از چشم خانواده اش می گیرد. پسر حسام غافل از اینکه بداند او همسر پدرش است، از پدر و مادرش میخواهد او را برایش خواستگاری کنند. فیلم درگیری دو نسل را در مقابل زیاده خواهی نسل گذشته و مهجور ماندن نسل جدید را نشان می‌دهد. فیلم سینمایی کاکا به مدت سه سال اجازه نمایش نداشت تا ۱۹ شهریور ۹۹ که پروانه نمایش آن صادر شد.

مامان

«مامان» که با وجود جدایی از شوهرش برای خواهر و برادرهای او هنوز همان «نانسی» دختر آبادانیِ با کلاس و دوست‌داشتنی است، برایَ پسرهایش یک پیرزن بداخلاق و غرغرو است که با تاکسی خود مسافر جابه‌جا می کند و در ظاهر بزرگترین مانع خوشبختی آن‌ها در زندگی است. مامان فیلمی به کارگردانی و نویسندگی آرش انیسی و تهیه‌کنندگی مجید برزگر است که رویا افشار برای بازی در این فیلم سیمرغ بهترین بازیگر زن را در جشنواره فیلم فجر ۹۹ از آن خود کرد.

رویا افشار با نام کامل رویا افشاری‌نسب بازیگر و کارگردان تئاتر است. او متولد سال ۱۳۳۹ در شهر آبادان و دانش آموخته رشته معماری از دانشگاه تهران است. فعالیت خود را در سال ۱۳۵۵ وقتی ۱۶ ساله بود با حضور در پشت صحنه تئاتر و همکاری در ساخت دکور شروع کرد و تا قبل انقلاب در پشت صحنه حضور داشت.

۱۰ کارگردان که در دهه جدید میلادی باید منتظر موفقیت آن‌ها باشید

گروه سینما و تلویزیون – سینما به مسیر خودش ادامه می‌دهد و در سومین دهه قرن بیست و یکم نوبت به استعدادهای نوظهوری می‌رسد که آهسته آهسته خودشان را ثابت می‌کنند.

وقتی یک فیلم سینمایی جدید اکران می‌شود همه توجه‌ها به بازیگران محدود می‌شود اما حقیقت آن است که همه آن‌چه یک فیلم را به مرحله اکران رسانده توسط کارگردان فراهم می‌شود. این کارگردان‌ها هستند که داستان فیلم‌نامه را با هنرمندی بازیگران فیلم همگام می‌کنند تا نتیجه کار به عنوانی محترم و قابل توجه تبدیل شود. شاید به همین دلیل باشد که تعداد اندکی از کارگردان‌ها که به معنای واقعی کلمه نابغه و کاربلد هستند به مرور زمان شهرتی به اندازه ستاره‌های سینما کسب می‌کنند. اما برای آن‌هایی که تازه در ابتدای مسیر طولانی‌شان هستند، رسیدن به شهرت جهانی کار دشواری به نظر می‌رسد.

همین حالا که هواداران نه‌چندان جدی سینما روی کارگردان‌های شناخته‌شده‌ای مانند کریستوفر نولان تعصب به خرج می‌دهند، نام‌هایی می‌درخشند که در تلاش هستند تا آهسته آهسته به سطح بالاتری از آن‌چه ارائه می‌دهند هم نزدیک شوند. نام‌هایی که مخاطبان ریزبین و دقیق سینما آن‌ها را می‌شناسند و آثارشان را تماشا کرده‌اند و به نظر می‌رسد که آینده نه‌چندان دور متعلق به آن‌ها باشد.

در ادامه به ۱۰ کارگردان که در دهه جدید میلادی باید منتظر موفقیت آن‌ها باشید، می‌پردازیم. منتقدان سینما باور دارند که همه این کارگردان‌ها شانس تصاحب جایزه اسکار بهترین فیلم را در دهه سوم قرن بیست و یکم دارند.

دنی ویلنوو

این کارگردان کانادایی از اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی وارد دنیای کارگردانی شد و آهسته آهسته مسیر موفقیت را طی کرد. ویلنوو که متولد محله‌ای فرانسوی‌نشین در کبک کانادا است مانند بسیاری از همکارانش با فیلم‌های کوتاه وارد دنیای سینما شد. نخستین فیلم سینمایی با نام «سی و دومین روز ماه اوت» در سال ۱۹۹۸ اکران شد اما ویلنوو برای شهرت پیداکردن در جمع منتقدان سینما تا سال ۲۰۰۹ صبر کرد. فیلم «پلی تکنیک» ویلنوو در جشنواره سینمایی کن حاضر شد و یک سال بعد فیلم «ویران‌شده» ویلنوو نامزد بهترین فیلم خارجی اسکار لقب گرفت.

با این حال مهم‌ترین سال هنری زندگی دنی ویلنوو بدون هیچ شک و تردیدی سال ۲۰۱۳ لقب می‌گیرد. او در این سال با دو فیلم «زندانیان» و «دشمن» نام خود را به عنوان یک کارگردان شناخته‌شده مطرح کرد. داستان فیلم «دشمن» درباره مرد روان‌پریشی است که با همزاد خود روبه‌رو می شود.

این فیلم بهترین ساخته دنی ویلنوو تا آن روزها بود و از همه آثار قبلی‌اش خیره‌کننده‌تر به نظر می‌رسید. اما دنی ویلنوو تسلیم نشد و با بودجه‌ای چهار برابر «دشمن» به سراغ ساخت «زندانیان» رفت. این فیلم که هیو جکمن و جیک جیلنهال را در نقش‌های اصلی‌اش در اختیار داشت درباره پدری بود که پس از ربوده‌شدن دخترش از پلیس یاری می‌گرفت تا فرزند عزیزش را پیدا کند.

دنی ویلنوو که نام خودش را به عنوان یک کارگردان توانمند در دنیای فیلم‌های درام و هیجان‌انگیز مطرح کرده بود، تصمیم گرفت از سینمای مستقل فاصله بگیرد و آهسته آهسته وارد سینمای تجاری هالیوود شود. او در سال ۲۰۱۵ با فیلم «سیکاریو» به سینماها بازگشت و یکی از بهترین درام‌های جنایی سال را به منتقدان نمایش داد. استودیوهای هالیوودی که از سبک فیلم‌سازی ویلنوو لذت می‌بردند بازسازی فیلم «ورود» با هنرنمایی امی آدامز را هم به او سپردند. این فیلم به حدی جذاب و خوش‌ساخت بود که نخستین جایزه اسکار ویلنوو را برای به او همراه داشت و او جایزه بهترین کارگردانی را به خانه برد.

در سال ۲۰۱۷ دنی ویلنوو بزرگترین ماموریت غیرممکن کارنامه سینمایی‌اش را برعهده گرفت و تصمیم گرفت دنباله فیلم «بلیدرانر» ریدلی اسکات را کارگردانی کند. او برای ساخت این فیلم بودجه‌ای ۱۵۰ میلیون دلاری در اختیار داشت و با بازیگران شناخته‌شده‌ای مثل رایان گاسلینگ، جرد لتو، هریسون فورد و امی آدامز همکاری کرد. اگرچه این فیلم از نظر فروش در سینماها چندان ایده‌آل ظاهر نشد اما منتقدان آن را یکی از معنوی‌ترین فیلم‌های عملی تخیلی دهه ۲۰۱۰ می‌دانند.

موفقیت آثار به‌یادماندنی دنی ویلنوو باعث شد که بازسازی فیلم «تل‌ماسه» هم به او پذیرفته شود. رمان «تل‌ماسه» یکی از بهترین رمان‌های علمی تخیلی تاریخ ادبیات است که در سال ۱۹۸۴ توسط دیوید لینچ به یک فیلم سینمایی تبدیل شد. اما ساخته لینچ عنوان جذابی نبود و به سرعت فراموش شد. بازسازی «تل‌ماسه» ساخته دنی ویلنوو قرار بود در سال ۲۰۲۰ اکران شود اما شیوع ویروس کرونا مانع اکران این فیلم شد. «تل‌ماسه» به کارگردانی دنی ویلنوو که از تیموتی شالامه و اسکار آیزاک به عنوان بازیگران اصلی‌اش استفاده می‌کند در سال ۲۰۲۱ اکران می‌شود.

جاشوا و بنجامین سفدی

برادران سفدی که با فیلم «الماس‌های تراش‌نخورده» در سال ۲۰۱۹ به شهرت جهانی دست پیدا کردند از سال ۲۰۰۷ وارد دنیای سینما شده‌اند. جاشوا و بنجامین که به ترتیب ۳۶ ساله و ۳۴ ساله هستند در محله کوئینز شهر نیویورک به دنیا آمده‌اند. آن‌ها که فارغ التحصیل دانشگاه ارتباطات بوستون هستند با فیلم «بابا لنگ‌دراز» محصول سال ۲۰۰۹ مطرح شدند. برادران سفدی در سال ۲۰۱۵ با فیلم «بهشت می‌داند» به سینماها بازگشتند و دو سال بعد «اوقات خوش» را اکران کردند. با این حال هیچکدام از این فیلم‌ها به اندازه «الماس‌های تراش‌نخورده» موفق نبودند. این فیلم که آدام سندلر را در نقش اصلی‌اش در اختیار داشت نه تنها بهترین فیلم برادران سفدی است که احتمالا متفاوت‌ترین هنرنمایی آدام سندلر هم لقب می‌گیرد.

جاش و بنجی سفدی که برای هواداران جدی سینما یادآور برادران کوئن هم هستند در آینده نزدیک عناوین بیشتری را کارگردانی می‌کنند که احتمالا نام آن‌ها را بیشتر از قبل مطرح می‌کند. شاید جالب باشد بدانید که برادران سفدی علاقه خاصی هم به بسکتبال دارند و از هواداران پروپاقرص تیم بسکتبال نیویورک نیکس هم هستند. آن‌ها در سال ۲۰۱۳ فیلم مستندی به اسم «لنی کوک» را در جشنواره ترابیکا اکران کردند که روایت یک بسکتبالیست نیمه حرفه‌ای به همین نام است.

یورگس لانتیموس

او که سال ۱۹۷۳ در یونان به دنیا آمده از سال ۲۰۰۱ تا امروز به کارگردانی و نویسندگی در سینما مشغول بوده و این روزها بیشتر از هر زمان دیگری به دلیل توانایی‌هایش در سینما شناخته می‌شود. لانتیموس کارگردانی را با فیلم یونانی «بهترین دوست من» آغاز کرد که به عنوان یک کمدی سورئال مورد توجه سینمای یونان قرار گرفت. او کارگردانی را با فیلم «کینه‌تا» ادامه داد اما سینمای لانتیموس پس از اکران فیلم «دندان نیش» جهانی شد. این فیلم موفق شد جایزه نگاه نو در جشنواره کن را تصاحب کند و حتی برای جایزه بهترین فیلم غیر انگلیسی‌زبان هم کاندیدای جایزه اسکار سال ۲۰۱۰ شد.

«آلپ» به‌عنوان چهارمین فیلم سینمایی لانتیموس باز هم مورد توجه منتقدان و سینماگران قرار گرفت و نه تنها نامزد دریافت شیر طلایی جشنواره فیلم ونیز شد بلکه از همان جشنواره برنده جایزه اوسلای طلایی برای بهترین فیلمنامه هم شد. با این حال سینمای لانتیموس پس از کارگردانی فیلم «خرچنگ» از نو شکل و گرفت و داستان‌های خیره‌کننده و روایت‌های خاص را به امضای اصلی او تبدیل کرد. این فیلم که کالین فارل، ریچل وایس، لئا سیدو و جان سی رایلی را در اختیار داشت برنده جایزه هیئت داوران جشنواره سینمایی کن شد. «خرچنگ» یک علمی تخیلی منحصربه‌فرد است که داستان آن در دنیای خاصی روایت می‌شود؛ دنیایی که همه افراد باید در ۴۵ روز شریکی برای زندگی پیدا کنند و اگر از پس این ماموریت تقریبا غیرممکن برنیایند به حیوانات مختلفی تبدیل می‌شوند.

ششمین فیلم بلند یورگس لانتیموس با نام «کشتن گوزن مقدس» در سال ۲۰۱۷ اکران شد و باز هم مورد توجه منتقدان جشنواره سینمایی کن قرار گرفت. او که با «خرچنگ» به همکاری با ستاره‌های سینمای هالیوود عادت کرده بود در این فیلم هم به سراغ بازیگران هالیوودی رفت و با نام‌های شناخته‌شده‌ای مانند نیکول کیدمن همکاری کرد. جدیدترین فیلم لانتیموس «سوگلی» نام دارد که یکی از مهم‌ترین فیلم‌های سال ۲۰۱۸ هم بود. این فیلم که با بودجه ۱۵ میلیون دلاری ساخته شده در سراسر دنیا بیشتر از ۷۰ میلیون دلار فروش داشت و بیشتر از ۱۱۰ جایزه سینمایی در جشنواره‌های سراسر دنیا کسب کرد.

دهه ۲۰۲۰ میلادی بدون هیچ شک و تردیدی برای تماشای آثار بعدی یورگس لانتیموس هیجان‌زده است. کارگردانی که بدون هیچ شک و تردیدی شانس بسیار زیادی برای کسب جوایز اسکار دارد و حالا که بیشتر از هر زمان دیگری به سینمای هالیوود نزدیک شده می‌تواند همکاری‌های بیشتری با استودیوهای ثروتمند آمریکایی داشته باشد.

جردن پیل

جردن هاورث پیل جونیور در بیست و یکمین روز ماه فوریه سال ۱۹۷۹ در نیویورک به دنیا آمد. اگرچه او بیشتر به دلیل هنرنمایی در فیلم‌های کمدی شناخته می‌شود اما پیل با کارگردانی دو فیلم ترسناک «برو بیرون» و «ما» ثابت کرد که می‌تواند یکی از بهترین کارگردان‌های ژانر ترس قرن بیست و یکم باشد. شهرت جردن پیل با سریال تلویزیونی کمدی «کی و پیل» منفجر شد. او این سریال را با همکاری دوست و همکار قدیمی‌اش یعنی کیگان مایکل کی کارگردانی می‌کرد و در عین حال در دنیای استندآپ کمدی هم حاضر بود. اما جردن پیل از زمانی موفق‌تر شد که تصمیم گرفت وارد دنیای کارگردانی شود.

او فیلم «برو بیرون» را کارگردانی، نویسندگی و تهیه‌کنندگی کرد و به شدت موفق شد. این فیلم که برنده جایزه بهترین فیلم‌نامه غیراقتباسی نودمین دوره مراسم اسکار هم لقب گرفت، جردن پیل را به نخستین نویسنده سیاه‌پوستی تبدیل کرد که برنده این جایزه شده است. «برو بیرون» به اعتقاد بسیاری از منتقدان یکی از بهترین و متفاوت‌ترین فیلم‌های ترسناک دهه ۲۰۱۰ میلادی بود که با بودجه‌ای کمتر از ۵ میلیون دلار بیشتر از ۲۵۵ میلیون دلار در سراسر دنیا فروش داشت. موفقیت این فیلم نام جردن پیل را مطرح کرد. او که همچنان به سریال‌های تلویزیونی هم علاقه‌مند بود در نهایت تصمیم گرفت دومین فیلم سینمایی‌اش را بسازد و این بار به سراغ فیلم‌نامه دیگری از خودش با نام «ما» رفت. اگرچه این فیلم هم مورد توجه منتقدان قرار گرفت اما به اندازه فیلم نخست او موفق نبود. شاید جردن پیل تمرکز ویژه‌ای روی آثار تلویزیونی داشته باشد ولی به نظر می‌رسد که او نگاه ویژه‌ای به ژانر ترسناک دارد و دیر یا زود آثار بیشتری در این ژانر را کارگردانی می‌کند. شاید جالب باشد بدانید که فیلم «مرد عسلی» که قرار بود در سال ۲۰۲۰ اکران شود و اکران آن به دلیل شیوع ویروس کرونا به تعویق افتاد هم توسط جردن پیل تهیه‌کنندگی شده است. با وجود همه دستاوردها جردن پیل کارگردان بدون جنجالی نیست. او در یکی از مصاحبه‌هایش اعلام کرده بود که هرگز از بازیگران سفیدپوست استفاده نمی‌کند. این صحبت جردن پیل واکنش‌های مثبت و منفی بسیار زیادی داشت.

کریستوفر نولان

آیا واقعا کریستوفر نولان یکی از بهترین کارگردانان تاریخ سینما است؟ این سوال در چند سال اخیر یکی از مهم‌ترین سوالاتی بوده که هواداران سینما از یکدیگر می‌پرسند.

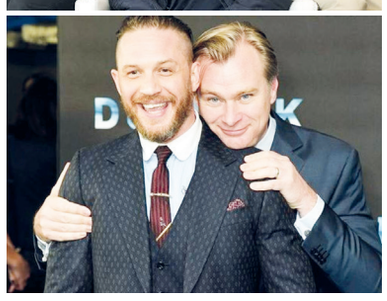

وقتی به نام کریستوفر نولان می‌رسیم، هواداران سینما در دو گروه کاملا متفاوت قرار می‌گیرند. گروه اول اعتقاد دارند نولان با روایت‌های غیرخطی و مفاهیم عمیق سینمایی می‌تواند یکی از بهترین کارگردانان تاریخ سینما باشد. اما گروه دوم اعتقاد دارند نولان تنها روح تازه‌ای به برخی کلیشه‌های رایج سینمای هالیوود بخشیده و صرفا کارگردان باهوشی است. نیازی به یادآوری نیست که گروه دوم در برابر گروه اول در اقلیت قرار می‌گیرند. با هر حقیقتی، کریستوفر نولان هفتمین کارگردان پرفروش تاریخ سینما لقب می‌گیرد و یکی از موفق‌ترین کارگردانان تاریخ سینما هم بوده است. حتی با وجود همه بحث‌ها و صحبت‌های بی‌پایان، کریستوفر نولان یکی از کارگردانان توانمند و صاحب‌سبک در قرن ۲۱ است. شهرت او با موفقیت فیلم «ممنتو» در سال ۲۰۰۰ آغاز شد و با ساخت سه‌گانه مشهور «شوالیه تاریکی» به اوج خود رسید و البته اهالی سینما او را با فیلم‌هایی مانند «تلقین» و «میان ستاره‌ای» هم به یاد می‌آورند. نولان که به یکی از مشهورترین کارگردانان زنده سینما تبدیل شده، امیدوار بود در سال ۲۰۲۰ و با اکران فیلم «تنت» گیشه‌های سینما را تسخیر کند اما شیوع ویروس کرونا همه برنامه‌های او را ویران کرد.

اگرچه سیاست‌های استودیوی برادران وارنر برای اکران آنلاین فیلم‌های سینمایی مورد انتقاد کریستوفر نولان قرار گرفته و به نظر می‌رسد که این کارگردان محبوب تصمیم گرفته از همکاری با این استودیوی شناخته‌شده کناره‌گیری کند اما هنوز هم بسیاری از منتقدان باور دارند که هر فیلم‌نامه‌ای که کریستوفر نولان تصمیم بگیرد آن را به یک شاهکار سینمایی تبدیل کند، می‌تواند یکی از بهترین فیلم‌های تاریخ سینما شود. بنابراین دهه ۲۰۲۰ میلادی برای تماشای فیلم‌های بعدی او هیجان‌زده است.

گرتا گرویگ

کارگردان‌های زن در سومین دهه قرن بیست و یکم بیشتر از هر زمان دیگری فرصت بسیار زیادی برای درخشیدن پیدا می‌کنند. با این حال در لیست طولانی زنان کارگردان مدعی و توانمندی که قرار است فیلم‌هایشان را در دهه جدید میلادی مورد توجه قرار بگیرد، نام گرتا گرویگ بیشتر از سایرین می‌درخشد. او که در سال ۱۹۸۳ در ساکرامنتوی کالیفرنیا به دنیا آمده در سی و شش سالگی یکی از بهترین فیلم‌های اقتباسی دهه ۲۰۱۰ را کارگردانی کرد. فیلم «زنان کوچک» که براساس کتابی به همین نام ساخته شده یکی از آرزوهای دیرینه گرتا گرویگ بود که در نهایت عملی شد.

گرتا گرویگ از سال ۲۰۰۶ در دنیای بازیگری فعال بوده و از مهم‌ترین فیلم‌های او در همه این سال‌ها باید به «نقشه مگی»، «جکی»، «زنان قرن بیستم»، «داستان‌های میرویتز» و انیمیشن «جزیره سگ‌ها» اشاره کرد. با این حال گرویگ برای ورود به دنیای سینما تا سال ۲۰۰۸ صبر کرد. فیلم «شب‌ها و آخر هفته‌ها» نخستین تجربه کارگردانی گرویگ بود اما زندگی از سال ۲۰۱۷ برای او شیرین‌تر شد.

او در این سال فیلم «لیدی برد» را کارگردانی کرد که نامزد ۵ جایزه اسکار هم لقب گرفت. پس از آن نوبت به کارگردانی «زنان کوچک» رسید که با نامزدی در شش جایزه اسکار در نهایت جایزه بهترین طراحی لباس را تصاحب کرد. بدون هیچ تردیدی دهه ۲۰۲۰ میلادی دوران درخشش گرتا گرویگ به نظر می‌رسد. کارگردانی که پله‌های ترقی را آهسته آهسته طی کرد و حالا به یکی از توانمندترین کارگردانان زن سینما تبدیل شد که ایده‌های بسیاری دارد.

بونگ جون هو

اگرچه بونگ جون هو این روزها با فیلم «انگل» شناخته می‌شود اما سابقه سینمایی او سرشار از فیلم‌های محترم و ارزشمندی است که توانایی بی‌نظیر او در فیلم‌سازی را به تصویر می‌کشند. بسیاری از منتقدان، این فیلم را بهترین اثر بونگ جون هو، کارگردان مشهور کره جنوبی، می‌دانند و باور دارند تماشاگر با تماشای «انگل» در دنیایی قرار می‌گیرد که شکل‌گیری آن توسط هیچ ژانری ممکن نیست. به عبارت دیگر، «انگل» به صورت یک کمدی غیرعادی آغاز می‌شود و به اثری عجیب تغییر شکل می‌دهد که در هیچ ژانری قرار نمی‌گیرد. جدیدترین فیلم بونگ جون هو زندگی را زیر باورهای معمول جستجو می‌کند و در نهایت انسان را در بالاترین سطح جنون خود به تصویر می‌کشد. تقریبا غیرممکن است که هوادار سینما باشید و نام «انگل» را نشنیده باشید. نخستین فیلم سینمای کره جنوبی که نه تنها جایزه بهترین فیلم غیرانگلیسی جوایز اسکار را برنده شد بلکه سه جایزه دیگر این مراسم را هم از آن خود کرد. پس با فیلمی پیچیده، درگیرکننده و تامل‌برانگیز مواجه هستیم که منتقدان سینما هم آن را دوست دارند. داستان فیلم درباره خانواده‌ای فقیر است که راه مناسبی برای کسب درآمد پیدا می‌کنند اما حوادثی رخ می‌دهد که زندگی آن‌ها را برای همیشه ویران می‌کند. فیلم «انگل» با وجود داستان ساده‌ای که دارد، مفاهیم جذاب و درگیرکننده‌ای را مطرح می‌کند که بدون شک برای هر تماشاگری یک خاطره فراموش‌نشدنی است. فیلم «خاطرات قتل» یکی دیگر از آثار بونگ جون هو است که براساس قتل‌های سریالی واقعی دهه ۸۰ جامعه کره جنوبی ساخته شده و یک فیلم جنایی سیاسی اجتماعی لقب می‌گیرد که نه تنها روایت بی‌نظیری را نمایش می‌دهد بلکه حرف‌ها و دغدغه‌های بسیار بزرگی هم دارد. داستان فیلم از جایی آغاز می‌شود که دو کارآگاه پلیس محلی ماموریت پیدا می‌کنند تا نشانه‌های یک قتل فجیع را پیدا کنند اما تلاش آن‌ها نتیجه نمی‌دهد و قتل‌ها یکی پس از دیگری از راه می‌رسند. با این حال به نظر می‌رسد با اضافه‌شدن یک کارآگاه حرفه‌ای به فرایند بررسی اطلاعات، شرایط تغییر می‌کند.

شاید جالب باشد بدانید که بونگ جون هو حتی سابقه ساخت فیلم اکشن هم دارد! اکشن‌های آخرالزمانی بیش از حد خسته‌کننده و تکراری هستند اما «برفی» شاید بزرگترین استثنای این زیرژانر تقریبا محبوب باشد. شاید دلیل اصلی تمایز «برفی» به کارگردان آن بازمی‌گردد؛ بونگ جون هو. او به واسطه فیلم «اوکجا» به شهرت رسید و شاید مهم‌ترین کارگردان دهه ۲۰۲۰ میلادی باشد.

سبزی مارکت بانوی کیش

فاز ۳ نوبنیاد-مجتمع خدماتی آرین- غرفه یک و دو

۰۹۳۴۷۶۹۰۵۵۶ - ۰۹۰۳۷۵۲۷۷۳۷

کیفیت را با ما تجربه کنید